



جواب در کلام قرآن کریم

گردآورنده: بصیر وطنی

بِسْمِ تَعَالَى

مقدمه

با توجه به اینکه بنای قرآن کریم به اختصارگویی و اجتناب از پرداختن به موضوعات غیر ضروری در کتاب برنامه زندگی بشریت است و همچنین عموماً در موضوعاتی که قرآن کریم به آن پرداخته است خیلی کم پیش آمده که وارد جزئیات آن مطب بشود و فقط بصورت کلی، بنابراین از میزان پرداختن این کتاب آسمانی به موضوعی خاص می‌توان به میزان اهمیت آن پی برد که در مورد حجاب حدود ۱۰ آیه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در قرآن آمده و تا جزئیات آن را ذکر نموده است که این نشان از اهمیت آن از دید خداوند متعال است زیرا هر چیزی که تولید می‌شود مخترع و سازنده آن از هر کس دیگری نسبت به آن آگاهتر و دوستدارتر است.

به دلیل اهمیتی که خود قرآن به حجاب زن مسلمان و بُعد انسانی زن داده و همچنین نیاز ضروری و عمومی جوامع امروزی و از طرفی مواجهه بشر با لطمه‌های عدم رعایت این فرمان الهی که گاه بر اثر بی‌اطلاعی مکلفین و گاه بر اثر کمرنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر مطلعین، می‌باشد تصمیم بر این شد روی این موضوع کار شود.

قرآن کریم موضوعات مختلفی را بصورت کلی و سربسته در قرآن کریم مطرح نموده و کندوکاو درباره آن و یا شرح و توضیح آن به عهده دانشمندانی که در درک حقایق و ایمان به آن پیشرو هستند گذاشته شده است: «وَيُرَى الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَبِهْدَىٰ إِلَىٰ صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (آیه ۶ سوره مبارکه سبأ)، ولی بحث حجاب را قرآن کریم در آیاتی بطور کامل موشکافی کرده و وارد جزئیات شده است که این دلیلی بر اهمیت حتی جزئیات این مسئله است یعنی حجاب، چه از نظر حدود و میزان پوشش و چه کیفیت پوشش و چه رنگ‌ها و چه از نظر شیوه‌های رفتاری زنان که جلوتر توضیحاتی راجع به تک تک این موارد از دید قرآن داده خواهد شد، دارای اهمیت زیادی است.

آیات حجاب :

قرآن زیباترین و ادب آمیزترین کتابی است که بر بشر ظهور کرده است. در این کتاب زیبا با لطافتی فراوان و ظرافتی وصف ناشدنی به ابعاد حجاب و لباس و پوشش پرداخته است. از جمله آیات شریف زیر:

آیه ۲۶ سوره مبارکه الاعراف (سی و نهمین سوره‌ای که نازل شده و مکی است) :

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

« ای فرزندان آدم [نمی‌گوید « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا »] به یقین لباس را [به دو دلیل برای شما] نازل کردیم [همان حرفی که خداوند درباره قرآن فرموده «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»] (مواد اولیه آن را در زمین آفریدیم و استعداد تهیه آن را به شما دادیم) تا زشتی‌های شما را بپوشاند (یُوَارِي سَوْآتِكُمْ) و زیب و زیور شما باشد [ریشاً: عرب به پر کبوتر می‌گوید «ریش» و از کلمه پَر استفاده شده چون اگر انسان لباس را به همان شکلی که خواسته شده استفاده کند با آن به سمت بالا و رشد معنوی پرواز می‌کند] و البته لباس تقوی بهتر است. اینها از آیات و نشانه‌های خداوند (برای مردم) است، باشد که متذکر شوند [یعنی لباس وسیله‌ای برای انجام واجبات و اطاعت از خداست.] « (ترجمه آیت الله مشکینی)

آیه ۳۲ سوره مبارکه احزاب :

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا

«ای همسران پیامبر، شما اگر تقوا پیشه کنید مانند دیگر زنان (عادی) نیستید، پس با گفتارتان ناز و عشوه مریزید تا کسی که در دل او مرض (فسق و فجور) است (در شما) طمع ورزد، و گفتاری نیکو (و دور از تحریک و ریبه) بگویید» (ترجمه آیت الله مشکینی)

آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب :

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

«و با وقار در خانه خود قرار گیرید و (در میان مردم) همانند ظهور (زن‌ها) در دوران جاهلیت نخستین (با آرایش و زینت بدون رعایت حجاب) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و از خدا (در احکام شریعت) و از رسول او (در فرمان ولایی او)

اطاعت نمایید، جز این نیست که خداوند (به اراده تکوینی خاص) می‌خواهد از شما اهل بیت (پیامبر) هر گونه پلیدی (در عقاید و اخلاق و اعمال) را بزدايد و شما را به همه ابعاد پاکی پاکیزه گرداند» (ترجمه آیت الله مشکینی)

آیه ۵۰ سوره مبارکه مائده :

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

« آیا آنها خواهان حکم جاهلیت‌اند؟ و برای قومی که یقین دارند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است» (ترجمه بهرام پور)

آیه ۲۵ سوره مبارکه نساء :

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا لَّان يَنْكحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

«و هر کس از شما، از نظر مالی نمی‌تواند زنان (آزاد) پاکدامن با ایمان را به همسری (خود) درآورد، پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید (ازدواج کند) و خدا به ایمان شما داناتر است. (همه) از یکدیگرید. پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری (خود) درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید (به شرط آنکه) پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست‌گیران پنهانی نباشند. پس چون به ازدواج (شما) درآمدند، اگر مرتکب فحشا شدند، پس بر آنان نیمی از عذاب (مجازات) زنان آزاد است. این (پیشنهاد زناشویی با کنیزان) برای کسی از شماست که از آرایش گناه بیم دارد و صبر کردن، برای شما بهتر است، و خداوند آمرزنده مهربان است.» (ترجمه فولادوند)

آیه ۵ سوره مبارکه مائده :

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و (بر شما حلال است ازدواج با) زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب (آسمانی) به آنان داده شده، به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید. و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است. (ترجمه فولادوند)

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجْلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

و در آنچه از خواستگاری زن‌ها (بی که در عده وفات‌اند) به کنایه گوئید یا در دل‌های خود پنهان دارید بر شما گناهی نیست، خداوند می‌داند که شما به زودی آنها را (طبق غرایز فطری) یاد خواهید کرد، و لکن با آنها در خلوت قرارداد زناشویی نگذارید جز آنکه گفتاری پسندیده (و اشاره و کنایه‌دار) بگوئید، و هرگز تصمیم بستن عقد زوجیت نگیرید تا عده مقرر به پایان رسد، و بدانید که خداوند آنچه در دل دارید می‌داند پس، از (خشم) او بر حذر باشید و بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است. (ترجمه آیت الله مشکینی)

از صریح‌ترین آیات حجاب که تا جزئیات پوشش در آن ذکر شده است دو آیه ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور است :

آیه ۳۰ سوره مبارکه نور (صدوسومین سوره‌ای که نازل شده و مدنی است):

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

«به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بیپوشانند (از آنچه دیدنش حرام است) و فروج و اندامشان را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه‌تر است. همانا خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است.» (ترجمه آیت الله مشکینی)

آیه ۳۱ سوره مبارکه نور:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

«و به زنان با ایمان بگو چشمان خود را (از آنچه دیدنش حرام است) فرو بندند [و پاکدامنی ورزند] و عورت‌های خود را (تمام بدن را، غیر از صورت و دست‌ها [تا میچ]، از اینکه در معرض دید اجنبی [نامحرم] قرار گیرد) حفظ کنند، و زیور و

زینت خود و جاهای آن را (مانند، گردن، سینه، موهای سر، بازوان و ساق‌های پا) آشکار نسازند، جز آنچه (بر حسب ضرورت عرفی) پیداست (مانند لباس‌های رو و صورت و دست‌ها [تا میچ])، و باید روسریهایشان را بر گریبان‌ها افکنند (تا گردن و سینه پوشانده شود)، و [زیباییهایشان را] زیور (و جاهای زیور) را بر کسی آشکار نسازند جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (همکیش) خود یا کنیزانشان یا مردان عقب مانده تابع خانواده که نیاز شهوانی ندارند یا کودکانی که نیروی آمیزش با زن‌ها را ندارند، و (زنانی که خلخال در پا دارند) پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد [که صدا دهد] و همگی شما- ای مؤمنان- به سوی خدا (در تمام ابعاد انسانی) بازگردید، باشد که رستگار شوید.» (ترجمه آیت الله مشکینی)

آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب :

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

« ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زن‌های مؤمنان بگو روسری‌ها و چادرهای خود را بر خویش بیفکنند [لباس‌های خود را بلند کنند تا تمام بدنشان را در بر بگیرد و بپوشاند] (که گردن و سینه و بازوان و ساق‌ها پوشیده شود) این (کار) نزدیکتر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند [زیرا این کمترین حدی است که بوسیله‌اش (بعنوان زنان پرهیزگار) شناخته خواهند شد] تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.» (ترجمه آیت الله مشکینی)

اقسام حجاب و وجوب آن در آیات قرآن کریم :

جوارح ، جوانب ، جوانح (اقوال و افعال)

۱- حجاب در رفتار :

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (نور / ۳۱)

و پاهای خود را (به گونه‌ای به زمین) نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد.

وَلَا تَبْرَجْنَ جَنَّاتِ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ (احزاب / ۳۳)

و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید.

۲- عدم رابطه و دوستی زنان با مردان و بالعکس:

وَلَا تُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ (نساء / ۲۵) و (زنان اهل) دوست‌گیران پنهانی نباشند

وَلَا تُتَّخِذِي أَخْدَانٍ (مائده / ۵) و (مردان) زنان را نباید در پنهانی دوست خود بگیرید

۳- عدم قرار مخفیانه با زنان :

... لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ... (بقره / ۲۳۵)

با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید تا زمان مقرر به سرآید و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند پس از (مخالفت) او بترسید.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... .

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ... (نور / ۳۰ و ۳۱)

به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاکدامنی ورزند.

۴- حجاب در پوشش بدن :

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجَكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ (احزاب / ۵۹)

ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند.

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ (نور / ۳۱)

و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش (فرو) اندازند (البته در برابر نامحرم)

۵- حجاب در گفتار:

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب/ ۳۲)

پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید.

نتیجه:

(آیه ۳۳ سوره مبارکه نور) وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

و کسانی که (وسیله) زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند.

قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید می‌فرماید: حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرم او را از دید حیوانی ننگرند. لذا، نظر کردن به زنان غیر مسلمان را، بدون قصد تباهی جایز می‌داند و علت آن این است که زنان غیر مسلمان از این حرمت بی‌بهره اند.

بنا به نظر قرآن، عظمت زن در این است که: «أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ»

نبینند مردان نامحرم را و مردان نیز آنان را نبینند. (احتمالا منظور بخشهایی از بدن زن است که قرآن پوشش آنها را واجب دانسته)

هشدار:

(آیه ۳۶ سوره مبارکه اسراء)

... إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُورًا

... همانا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش خواهند بود

ایستگاه تامل و تفکر در اعمالمان:

ریشه اغلب مشکلات و گرفتاری‌های بشر به "گناه" خود انسان بر می‌گردد و به همین جهت قرآن مجید روی، خودداری از گناهان تاکید زیادی کرده و درباره برخی از آنها هشدار داده است .

اغلب بدبختی‌هایی که دامنگیر فرد یا جامعه می‌شود، به علت آلودگی بر گناه و معصیت است.

گناه یعنی مخالفت با قوانین الهی و پیروی بدون قید و شرط از تمایلات و هوای نفس، پیروی از تمایلات نفسانی که برخلاف قوانین تکوین باشد.

به عنوان مثال رسول خدا (ص) در مورد ترک نماز فرموده کسی که نماز خود را سبک بگیرد و در بجا آوردنش سستی نماید خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می‌سازد، شش بلا در دنیا و سه تا در موقع مردنش و سه تا در قبر و سه تا در قیامت، هنگامی که از قبر بیرون می‌آید.

اما شش بلای دنیوی اینکه خداوند برکت را از عمرش کم می‌کند، برکت را از روزیش بر می‌دارد، از صورتش نشانه نیکوکاران را بر می‌دارد، هر کار خیری کند پذیرفته نمی‌شود و برای او اجری ندارد، دعایش مستجاب نمی‌شود و از دعای نیکوکار بهره‌ای ندارد.

سوره نازعات از آیه شریفه ۳۷ تا ۴۱ با ترجمه حضرت آیت الله مشکینی :

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى (۳۴) پس هنگامی که آن بلای چیره شونده بسیار بزرگ (حادثه قیامت) دررسد

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵) در روزی که انسان آنچه را که به کوشش انجام داده (به وسیله نامه عمل شخصی و لوح محفوظ عمومی) به یاد آورد

و بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶) و جهنم را برای هر که ببیند (و نابینا محسور نباشد) آشکار سازند

فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷) اما کسی که طغیان کرده

وَ أَتَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) و زندگی دنیا را (بر آخرت) ترجیح داده

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹) پس بی تردید جهنم جایگاه اوست

وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰) و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگار خود و از ایستادن در برابر او ترسیده و نفس را از هواها منع کرده

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱) پس بی شک بهشت جایگاه اوست. (این پنج آیه گذشته) جواب آیه ۳۴ است)

امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید :

از انجام گناه در خلوت دوری کنید که خداوند شما را می‌بیند و شاهد، همان قاضی روز قیامت است.

و اما در مورد گناه شایع بدحجابی یا در مواردی بی‌حجابی که نباید معنی آن دستخوش تغییرات عادات انسانها شود. چون امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: **حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، وَ حَرَامٌ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ. لَا يَكُونُ غَيْرَهُ وَ لَا يَجِيءُ غَيْرُهُ.** (حلال محمد حلال است همیشه تا روز قیامت، و حرام او حرام است همیشه تا روز قیامت. غیر او نمی‌باشد و غیر از او چیزی نخواهد آمد.)

زنانی که زینت خود را نشان می‌دهند و خودنمایی می‌کنند و بدحجاب هستند (یا بهتر است بگوییم زنانی که مخالفت با کلام خداوند متعال کنند) بی‌تردید اهل آتشند اگر توبه نصح نکنند زیرا:

۱- پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات، رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة، ولا يجدن ريحها، وإن ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا» (مسلم)

«دو گروه جهنمی هستند که من آنها را ندیده‌ام: مردمی که به دستشان شلاقهایی همانند دم گاو است و مردم را با آن شلاق می‌زنند، و (گروه دوم) زنانی که با وجود پوشش، لخت و عریانند، دیگران را به سوی خویش متمایل می‌سازند در حالی که خودشان نیز به آنها تمایل دارند، موهای سرشان بسان کوهان خمیده شتر است، آنان هرگز به بهشت وارد نمی‌شوند و هیچگاه بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد، گرچه بوی بهشت در مسافت چنین و چنان یافت می‌شود.» «میزان الحکمه/ج ۱/ص ۵۳۰»

۲- رسول خدا - صلی الله علیه و آله: زمانی که دیدید زنانی موهای سر خود را مثل برآمدگی پشت شتر نموده و در میان نامحرمان ظاهر می‌شوند، به آنها بگوئید که نمازشان قبول نیست. «کنز العمال/ج ۱۶/ص ۳۹۲»

۳- در آخرت برهنه و عریانند. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «رُبَّ كَاسِيَةٍ فِي الدُّنْيَا عَارِيَةٌ فِي الْآخِرَةِ» یعنی چه بسیار زنانی هستند که در دنیا ظاهراً لباس پوشیده‌اند اما در آخرت عریان خواهند بود. زنانی که لباسهای نازک و تنگ که برجستگی‌ها و بدن آنها مشخص است.

۴- مبعوض‌ترین بندگان نزد خدا هستند: پیامبر در این حدیث می‌فرماید: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أُبْعِضُ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةً: مُلْجِدٌ فِي الْحَرَمِ، وَمُتَبَعٌ فِي الْإِسْلَامِ سَنَةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَمَطْلَبٌ دَمِ امْرَأٍ بَغَيْرِ حَقِّ لِيَهْرِيْقَ دَمَهُ».** (بخاری: ۶۸۸۲).

ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند سه گروه‌اند: نخست، کسانی که در حرم، ستم و الحاد کنند. دوم: کسانی که در اسلام بدنبال احیاء ارزشهای دوران جاهلیت باشند. سوم: کسانی که به ناحق در صدد کشتن دیگران برآیند.»

ومن سنة الجاهلية التبرج: یکی از سنتها و رسوم جاهلیت تبرج و خودنمایی زنان است. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (الأحزاب: ۳۳). و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

۵- به اندازه گناه کسی که او را تقلید و یا فریب او را می‌خورد گناه بر اوست. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «من دعا إلى ضلالةٍ كان عليه مِنَ الْأَثْمِ مِثْلَ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئاً». دعوت‌کننده بسوی گمراهی علاوه بر گناهان خود در گناهان کسانی که از او پیروی می‌کنند نیز شریک است بدون آنکه چیزی از گناهان آنها کاسته شود.

۶- ملعون و مورد نفرت خداست: «فقد رؤى ... نساء هم كاسيات، عاريات على رؤوسهن كاسنمه البخت ... ملعونات ...». از پیامبر روایت شده که زنان بظاهر پوشش‌دار اما در واقع عریان که موی سرشان بمانند کوهان کج شتر است ملعون و مورد نفرت خدا هستند.

۷- زنا کار است: «أیما امرأة استعطرت فمرت على قوم لیجدوا ریحها فهی زانیة». هرگاه زنی خود را معطر نماید و بر مردمی عبور نماید تا بوی عطرش به آنها برسد مثل این است که زنا کرده است.

۸- نمازش قبول نمی‌شود: پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «أیما امرأة تطیبت ثم خرجت إلى المسجد لم تقبل لها صلاة حتی تغتسل». هر زنی که خود را معطر نماید و سپس به مسجد برود نمازش قبول نیست مگر اینکه آثار عطر را از خود بزداید.

۹- نمازش قبول نمی‌شود: یا در جای دیگر رسول خدا(صلی الله علیه واله وسلم) می‌فرمایند: هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو و آرایش کند خداوند نماز او را قبول نمی‌کند تا اینکه برای پاک ساختن خود از آن غسل کند چنانچه خود را از جنابت غسل می‌دهد.

۱۰- پرده بین او و خدا پاره شده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أیما امرأة وضعت ثیابها فی غیر بیت زوجها فقد هتکت سترها فیما بینها و بین الله». هر زنی که لباسش را در غیر منزل شوهرش بیرون آورد و برهنه شود پرده بین خود و خدایش را پاره و گشاده است.

۱۱- نسب به خدایش سرکش و نافرمان است: «وَقُرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (الأحزاب: ۳۳). «و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».

۱۲- اینگونه زنان مورد لعنت خدا قرار گرفته‌اند: در لباس و حرکات و ادا و اطوار و غیره «لَعْنُ (صلی الله علیه وسلم) المتشابهات من النساء بالرجال». پیغمبر زنانی را که به شکل مردان در می‌آیند لعن کرده است.

۱۳- همسرانشان مورد لعنت خدا قرار گرفته‌اند: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: «نساءهم كاسيات عاريات ملعونات». آنهائیکه زانشان بظاهر لباس پوشیده اما در واقع برهنه هستند مورد نفرت خدا و ملعون می‌باشند.

«آلفرد هیچکاک» با توجه به این نکته می گوید: تفاوت زن شرقی و زن غربی در پوشیدگی زن شرقی است که موجب افزایش جذابیت او شده است. منبع: گزیده آثار شهید مطهری

آیا صفات و ویژگیهای حجاب شرعی را می دانید؟

- ۱- باید تمام بدن را بپوشاند به استثناء دستها تا مچ و گردی صورت که پوشاندنش اختیاری است.
- ۲- حجاب نباید تزیین شده باشد یا در آن تصویر و نقش و نگار و نوشته‌هایی باشد.
- ۳- باید ضخیم و غیر شفاف باشد بطوریکه زیر آن دیده نشود. (یعنی نباید آنقدر نازک و شفاف باشد که بدن را نمایان سازد).
- ۴- باید آزاد و فراخ باشد و چنان تنگ نباشد که حجم بدن یا برجستگی‌ها و جزئیات بدن زن را نمایان سازد.
- ۵- نباید مشابه لباس مردان یا لباس زنان کافر باشد.
- ۶- نباید معطر باشد بخصوص هنگامی که از کنار مردان نامحرم می‌گذرد.

اندکی تامل :

روزی جوانی خدمت مرحوم حجه السلام و المسلمین آقای سید یونس اردبیلی رسید و سوال زیر رو پرسید: دو روز پیش مادرم از دنیا رفت و من او را دفن کردم. هنگامی که وارد قبر شدم و جنازه اش را در قبر گذاشتم، خواستم صورت او را روی خاک بگذارم، اسناد و مدارک و پول و چک‌هایی که در جیبم بود، از جیبم بیرون ریخت، چون در یک حالت خاص بودم فراموش کردم آنها را بردارم و روی قبر پوشیده شد. با این حال اجازه می‌فرمایید نبش قبر کنم و آن مدارک رو برداریم یا نه؟ چنانچه امروز می‌فرمایید، نامه ای به مسئولین قبرستان مرقوم فرمایید تا اجازه نبش قبر دهند.

آقا فرمودند: همان قسمتی از قبر رو که می‌دانید مدارک در آنجاست، بشکافند و مدارک رو بردارند و سریعاً قبر را بپوشانید. پس نامه ای به همین مضمون برای مسئولین قبرستان نوشتند. بعد از چند روز آن جوان به منزل آقای اردبیلی آمد و در حالی که غمناک و مضطرب می‌نمود، آقا از او پرسید آیا شما کارتان را انجام دادید و به نتیجه رسیدید؟

جوان با ناراحتی گفت: وقتی نبش قبر کردم، دیدم مار سیاه و باریکی دور گردن مادرم حلقه زده و سرش را در دهان مادرم فرو برده و او را نیش میزند! این منظره به قدری وحشتناک بود که طاقت مرا گرفت و از شدت ترس و هراس فوری روی قبر را پوشاندم.

آقا از او پرسید: آیا مادرت کار زشتی مرتکب می‌شد؟

جوان گفت: من چیزی به خاطر ندارم، ولی همیشه پدرم او را نفرین میکرد، زیرا مادرم نسبت به ارتباط با نامحرم پروایی نداشت و با سر روی باز با مردان نامحرم رو به رو می‌شد و بی حجاب و بی پروا با آنان سخن می‌گفت و با نامحرم شوخی می‌کرد و می‌خندید و به همین خاطر همیشه مورد عتاب و نفرین و سرزنش پدرم بود.

چه بد جایگاهی است قبر، برای زنان بدحجاب و بی‌حجاب

و در قیامت، هر قسمتی از بدن زن را که نامحرم دیده، از همان قسمت به دار آویخته می‌شود.

و خطاب به دوستانی که فقط به قوانین وضع شده به دست بشر پایبندند باید گفت، با عدم رعایت حجاب مرتکب جرم شده‌اند زیرا:

رکن قانونی:

۱- تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تشکیل دهنده جرم عدم رعایت حجاب شرعی است. به موجب این ماده « هرکس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتیکه مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار می‌نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

تبصره: « زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»
برخلاف گمان برخی از مردم به خصوص زنان و دختران، از دیدگاه قانون برهنه بودن چه تمام چه بخشی از موی سر و یا هر بخش دیگر از بدن، « بی‌حجابی» محسوب می‌شود و ما عنوان مجرمانه‌ای تحت نام « بدحجابی» نداریم.

۲- پیش از وضع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، ماده قانونی جرم عدم رعایت حجاب شرعی ماده چهار قانون « نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهائی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار کند - مصوب ۱۳۶۵ » بود. برابر این ماده « کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند.»

توضیح مختصر ذیل آیه ۳۱ سوره مبارکه نور:

بنا بر آیه ۳۱ سوره مبارکه نور، زنان حق ندارند زینتهایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباسهای زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینتهایی نهی کرده است.

دومین حکمی که در این آیه بیان شده این است که: « آنها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیفکنند» (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ)

«خمر» جمع «خمار» (بر وزن حجاب) در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری).

«جیوب» جمع «جیب» (بر وزن غیب) به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد.

از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که نمایان است مستور گردد. (از شان نزول آیه نیز این معنی به خوبی استفاده می‌شود)

لغت عرب:

با توجه به فصاحت و بلاغت کلام عرب و اینکه برای حتی حالات مختلف کلمات متفاوتی به کار می‌برد، در

کتاب فقه اللغة (نوشته ثعالبی، عبد الملک بن محمد) مراتب پوشش (ستر) برای زنان را در لغت عرب اینگونه بیان می‌دارد:

- (۱) بُخْتُق: (پوشش دور سر که پیشانی و ابروها و گوشها و پشت گردن را می‌رساند)
- (۲) غِفَارَه: (پوشش وسط سر علاوه بر پوششی که با بُخْتُق محقق می‌شود) (که کلمه استغفار به معنای درخواست پوشش است)
- (۳) خِمَار: («اکبر منها») پوشش گردن علاوه بر پوششی که با غِفَارَه محقق می‌شود) (که شراب «خمر» به معنی پوشاننده عقل است)
- (۴) نَصِيف: (کمی بلندتر از خِمَار) (قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم): نَصِيفُ الْمَرْأَةِ عَلٰی رَاسِهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا: آن هنگام که پوشش سر زنی باشد ارزش آن از دنیا و آنچه در آن است بیشتر است.)
- (۵) الْمَقْنَعَة: (برای پوشش سر و سینه زن استفاده می‌شود که آزاد بوده و بر روی آنها می‌افتد.)
- (۶) مِعْجَرَة: (پوششی است تا روی زانو که در پوشش یک مرحله بالاتر از مَقْنَعَة می‌باشد.)
- (۷) رِدَا (جِلْبَاب): (پوشش از سر تا روی پا است بطوری که حتی روی پا را نیز می‌پوشاند.)

در سومین حکم مواردی را که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می‌دهد:

أَنَّهُنَّ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ (وَلَا يَأْتِيَنَّ مِنْهُنَّ الْمَكْرُوهُ)

مگر (در دوازده مورد):

- ۱- برای شوهرانشان (إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ)
- ۲- یا پدرانشان (أَوْ آبَائِهِنَّ)
- ۳- یا پدران شوهرانشان (أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ)
- ۴- یا پسرانشان (أَوْ أَبْنَائِهِنَّ)
- ۵- یا پسران همسرانشان (أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ)
- ۶- یا برادرانشان (أَوْ إِخْوَانِهِنَّ)
- ۷- یا پسران برادرانشان (أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ)
- ۸- یا پسران خواهرانشان (أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ)
- ۹- یا زنان هم کیششان (أَوْ نِسَائِهِنَّ)
- ۱۰- یا بردگانشان (کنیزانشان) (أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ)
- ۱۱- یا پیروان و طفیلیانی که تمایلی به زن ندارند (افراد سفیه و ابلهی که میل جنسی در آنها وجود ندارد) (أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ)
- ۱۲- یا کودکانی که از عورات زنان (امور جنسی) آگاه نیستند (أَوْ الطُّفُلِ الَّذِينَ لَمْ يَنْظُرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ)

و بالأخره چهارمین حکم را چنین بیان می‌کند: «آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخالی که بر پا دارند به گوش رسد)» (و لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ). آنها در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود، آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی را که در پای دارند (ویا بنا به تفسیر برخی مفسران صدای همین کفشهای پاشنه بلند امروزی) به گوش مردان بیگانه خودداری کنند، و این گواه باریک بینی اسلام در این زمینه است.

و سرانجام با دعوت عمومی همه مؤمنان اعم از مرد و زن به توبه و بازگشت به سوی خداوند، آیه را پایان می‌دهد، و می‌فرماید: همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان!، تا رستگار شوید « وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. » و اگر در گذشته کارهای خلافی در این زمینه انجام داده‌اید اکنون که حقایق احکام اسلام برای شما تبیین شد از خطاهای خود توبه کنید و برای نجات و فلاح به سوی خدا آئید که رستگاری تنها بر در خانه او ست، و بر سر راه شما لغزشگاه‌های خطرناکی وجود دارد که جز با لطف او، نجات ممکن نیست، خود را به او بسپارید! درست است که قبل از نزول این احکام، گناه و عصیان نسبت به این امور مفهومی نداشت، ولی می‌دانیم قسمتی از مسائل مربوط به آلودگی‌های جنسی جنبه عقلانی دارد و به تعبیر مصطلح از «مستقلات عقلیه» است که حکم عقل در آنجا به تنهایی برای ایجاد مسئولیت کافی است.

قد سین بر عرش دست افشان کنند «نظ سیراز»

یار چون گیرد آغز سماع

مفهوم و ابعاد حجاب در قرآن :

حجاب در لغت به معنای پرده، حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و منع از وصول است. استعمال این کلمه، بیش‌تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله‌ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد .

یکی از اموری که خدای متعال نسبت به آن غیرت فراوان نشان داده و بر اساس آن پاره‌ای از احکام الهی وضع شده است حفظ کرامت انسانی و شخصیت افراد است. به همین خاطر شما مشاهده می‌کنید هر کجا که احتمال می‌رود کرامت انسانی انسان زیر سؤال برود و به جای اینکه نسبت به ما یک نگاه انسانی حاکم باشد نگاه دیگری جایگزین شود خدای متعال احکامی را وضع کرده که از آن جلوگیری کند. مثلاً در احکام الهی داریم که خودنمایی چه برای مرد و چه برای زن جایز نیست. چرا که وقتی شخصی خودنمایی می‌کند نوع تعامل دیگران در رابطه با او بر اساس ظواهر او شده و نگاه جسمی به او می‌شود تا نگاه انسانی.

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت بنا به آیات حجاب در قرآن کریم حجاب اسلامی محقق نشده است. اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می‌تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می‌تواند از لغزش‌ها و گناه‌های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید. علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می‌کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده‌اند، حجاب در گفتار (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ... (آیه ۳۲ سوره مبارکه احزاب)

«پس البته نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد...»
و همچنین حجاب در رفتار (وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ... (آیه ۳۱ سوره مبارکه نور)
«و پاهای خود را (به گونه‌ای به زمین) نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد (که صدا دهد)...»

براین اساس کفشهای پاشنه بلند عیناً همان صفت زدن پاها در وقت پوشش خلخال و آشکار سازی زینت را دارند زیرا با پوشش کفش پاشنه بلند، تمایل جسم زن در راه رفتن بصورتی می‌شود که زینت او را نمایان می‌سازد و صدا و نحوه‌ی راه رفتنش مورد توجه قرار می‌گیرد.

با توجه به آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب نمی‌توان گفت که جلباب منحصرأً بر چادر دلالت دارد. ولی اگر کسی بتواند به شکل صحیح از چادر استفاده کند، مسلماً چادر حجاب برتر است زیرا حکمت‌های حجاب در چادر بیشتر یافت می‌شود، گرچه پوشیدن چادر واجب نیست.

حجاب منحصر در چادر و حتی مانتو نیست، بلکه هر لباسی که غیر از وجه (گردی صورت) و کفین (دست‌ها تا مچ) را بپوشاند و موجب تحریک و جلب توجه نامحرم نگردد کافی است ولی باید توجه داشت که همان طور که بقیه واجبات دارای مراتب مختلفی می‌باشند حجاب نیز دارای مراتب خوب، متوسط و خوب‌تر است و چادر حجاب برتر بانوان محسوب می‌گردد.

از آیه ۳۱ سوره مبارکه نور می‌توان نتیجه گرفت که زنان از قبل روسری به سر داشته‌اند زیرا خداوند در این آیه می‌فرماید «خُمْرِهِنَّ» «روسری‌هایتان» و اگر آنان از قبل چیزی به سر نداشتند حتماً خداوند برایشان ابتدا نوعی پوشش توصیف می‌کرد و بعد می‌فرمود آن را روی سر قرار دهید بعد آن را بکشید روی جیوبتان که همان پوشاندن گردن و سینه است زیرا جیب به قسمتی از لباس می‌گویند که از آن قسمت گردن آشکار می‌شود یا جایی که مخفی ماندنش مهم است.

همچنین خداوند به آنان فرموده که زینت خود را جز برای افراد نامبرده، مشخص نسازند و این افراد که در شروع آن شوهر نام برده شده نه بدین معناست که با همهی آنان به همانگونه باشند که با شوهران می‌توانند باشند، زیرا خداوند، زن و شوهر را لباس هم معرفی کرده است («... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ...» «زنانتان لباس شما و شما لباس زنانتان هستید...» آیه ۱۸۷ سوره بقره) پس بنا به این آیه، افراد استثنا شده با شوهر متفاوتند و آن افراد مردانی هستند با سن و عمرهای متفاوت که آشکار ساختن زینت نمی‌تواند به معنای عربی یا شبه عربی باشد بلکه به معنای ظهور بصورتی است که قبلاً نیز زنان بدان عادت داشتند مانند پوشش جسم بصورتی که شهوت انگیز نبوده ولی تکلف و سختی هم نداشته است و اینکه زن در آن زمان حدودش را مشخص می‌دانسته همانطور که ما حدود و پوشش بین نزدیکان را می‌شناسیم.

مسئله‌ی دیگر نحوه‌ی پوشش و راه رفتن زن بگونه‌ای که زینت را آشکار سازد، آمده است. که خداوند از زدن پای زن به زمین، سخن آورده زیرا در آن زمان نیز زن بخوبی می‌دانسته که صدای پای زن تنها آهنگ و طریقه‌ی راه رفتن او را مشخص نمی‌کند بلکه بالاتر از آنست و زینت او را آشکار می‌سازد و این زینت در کل، بیان جوانی و شادابی و نیاز او به جلب جنس مخالف اوست.

فلسفه حجاب چیست؟

حجاب دو فلسفه اساسی دارد که با یکدیگر ارتباط تام دارند:

(۱) مصونیت زن در برابر طمع‌ورزی‌های هوس‌بازان.

(۲) پیشگیری از تحریکات شهوانی خارج از ضوابط و هنجارهای الهی و تأمین سلامت و بهداشت معنوی جامعه.

حجاب با چنین نقش و کارکرد مهم و اساسی پیامی قاطع و کوبنده با خود دارد، و آن این است که در برابر همه مردان اجنبی نوعی هشدار و اعلام «دور باش» می‌دهد.

شرح جزئیات پوشش زنان در قرآن :

(۱) حدود و میزان پوشش: بدون شک با توجه به آیه هر اندازه بدن زن پوشیده‌تر باشد نقش نیرومندتری در دورسازی دیدگان نظاره‌گر ایفا می‌کند. اگر نگاه‌های آلوده را همچنان که در روایات آمده است «تیره‌های زهرآلود شیطان» بدانیم، پوشش زن همانند قوسی است که تیر از آن کمانه می‌کند و منحرف می‌شود و از اصابت و نفوذ در هدف باز می‌ماند. از همین روست که چادر را حجاب برتر شناخته‌اند، زیرا با وجود شرایط دیگر، بیشترین پوشش و مطمئن‌ترین مصونیت را فراهم می‌آورد.

(۲) کیفیت پوشش: میزان ضخامت و حتی کیفیت دوخت لباس خود بخش مهمی از حجاب را تشکیل می‌دهد بدون شک لباس‌های نازک و تنگ و بدن‌نما فرودگاه پیکان مسموم شیطان و موجب خیره شدن چشم‌های هرزه و آلوده و به فساد کشاننده جامعه است. در مقابل لباس‌های غیربدن‌نما، دیده‌ها را از خود دور می‌سازد، و سلامت معنوی نفوس را تأمین می‌کند.

(۳) رنگ‌ها: تردیدی نیست که برخی از رنگ‌ها دیده‌ها را خیره می‌سازد، و پاره‌ای دیگر نگاه‌ها را از خود می‌رانند و دور می‌سازد.

در روانشناسی رنگ‌ها، همان گونه که نوع رنگ در ایجاد گرسنگی، سیری، خشم و آرامش تأثیر مستقیم دارد، در شعله‌ور شدن غرایز جنسی نیز دخالت مستقیم دارد. رنگ سیاه باعث کاهش شهوت است، چنان که امام صادق (علیه‌السلام) در این زمینه خطاب به «حَنان بن سَدیر» که نعلین سیاه پوشیده بود، فرمودند: «آیا نمی‌دانی رنگ سیاه مایه تقلیل شهوت است». (وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۳۸۶)

در ریشه‌یابی «اسود» (رنگ سیاه) در لغت عرب دیده می‌شود به معنی «آقایی، برتری و سیادت» است. در روایاتی که برخی علائم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) را بیان می‌کنند، می‌خوانیم که آن حضرت (ع) با بیرق رسول خدا(ص) خروج می‌کند که از پارچه مخمل سیاه و چهارگوش بوده و در آن صلابت است. (الملاحم و الفتن، سید بن طاووس، ترجمه محمد جواد نجفی، ص ۵۷)

امام صادق علیه السلام فرمودند: لباس سیاه مکروه است مگر در کفش و عمامه و کساء (کساء چیزی مانند عباس است که کل بدن را می‌پوشاند) رسول خدا صلی الله علیه و آله هم مانند این سخن را فرموده اند. به همین دلیل است که فقها فرموده اند که لباس زیر، کراهت دارد سیاه باشد اما لباس های رو (عمامه، کفش، عبا و چادر و ...) مشکلی بودن آن مکروه نیست. در این حدیث صریحاً امام علیه السلام کراهت رنگ سیاه را در چادر و کلاً روپوش نفی کرده اند.

(۴) شیوه‌های رفتاری: طرز صحبت و چگونگی راه رفتن و... نیز بخشی از حجاب به معنای وسیع کلمه است. حفظ وقار و متانت هم همان نقشی را دارد که پوشش زن دارد و عدم رعایت آن نیز برآیندی چون برهنگی در پی دارد. از این رو قرآن مجید یکی از صفات خوب زنان مؤمن را که در رفتار دختران شعیب بیان می‌کند همان «حیا» و وقار است.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحاء مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد.

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد **حجاب** و حرمت **نگاه به نامحرم** وجود دارد .

حداقل حجاب زن از دیدگاه قرآن:

با توجه به آیه ۳۱ سوره مبارکه نور حداقل پوشش زن پوششی‌ست که گردن و سینه‌ها را بپوشاند و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه روسری به جلو آورده شود زیرا در غیر این صورت، زینت زن آشکار می‌شود و شکی نیست که موی سر به عنوان زینت زن بلکه تاج سر زن شناخته می‌شود که بوسیله‌ی آن خود را تجمل می‌دهد و زنان به خوبی می‌دانند و به آرایش موهای خود افتخار و تباهی می‌کنند! از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

« إذا أراد أحدكم أن يتزوج، فليسأل عن شعرها كما يسأل عن وجهها؛ فان الشعر أحد الجمالين »

«هرگاه شخصی از شما تصمیم به ازدواج گرفت، از موی دختر مورد نظر، پرس و جو کند، چنان که از چهره‌اش، پرس و جو می‌کند، زیرا موی یکی از دو زیبایی است.»

و باز حداقل پوشش زن اینست که زینت‌هایش (و اندام) را نمایان نسازد و همچنین حداقل پوشش اینست که روپوش لباس (جلباب) تا پایین بصورت سرتاسر، پوشش بر تمام جسم قرار گرفته شود و جلباب عموماً به لباس فوق لباس عادی اطلاق می‌شود زیرا همان طور که جلباب در لغت عرب بررسی شد مفهوم لغتی که عرب از این کلمه دارد نیز همین مفهوم را می‌رساند.

پس جلباب بمانند عبا یا چادر یا چادر عبایی یا چادر عربی بلند است ولی بایستی تمامی جسم را از گردن تا نوک انگشت پا در بر گرفته باشد و نوع آن بگونه‌ای باشد که **شکل جسم (حجم بدن)** را به نمایش نگذارد.

و حداقل پوشش در خانه اینست که باعث نشود کودکی جسم زنان را خوب بشناسد و اینست که اطفال بایستی در محیطی اخلاقی و غیر تحریک آمیز پرورش یابند.

حال ببینیم حداکثر پوشش چیست؟

محور بحث تاکنون، حداقل پوششی بود که برای بانوان در برابر مردان نامحرم، واجب است و چنان که از مجموع قراین استفاده شد، حد آن، مقداری است که به راحتی و بدون تکلف، همه بدن زن، جز چهره و دو دست او را بپوشاند.

قرآن محیط حداکثر را بسیار باز کرده است تا زن مؤمن بتواند در لباس خود همیشه بسوی بهترین برود و مطمئن باشد که خدایش بیشتر را از او قبول داشته و بلکه بیشترین پوشش پسندیده است و اینست که با توجه به آیاتی که زن را به اخفای زینت دعوت کرده، متوجه می‌شویم هر قدر زن خود را بیشتر بپوشاند خودش را به رضای خالق یکتا نزدیکتر خواهد کرد. البته با نیت و تقوای درون تا مصداق: **وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ...** ، «پوششی که خدا را در نظر گرفته شود بهترین است»، عملی گردد. یعنی او با

تشخیص زینت، خود به نهن ساختن زینت بکوشد و زنی که سرتاسر بدنش را مخفی می سازد بخوبی می تواند با افتخار اعلام دارد که من هماهنگ با فرمان پروردگارم هستم و خود را برای بیگانه آشکار نساختم و پروردگارم مرا امر فرموده تا چنان باشم که مورد شناخت و اذیت واقع نشوم. حتی با تفاسیر متعدد و مقایسه با احادیث و اخبار، قضیه عوض نخواهد شد جز در این امر که ما نمی توانیم زن را به پوشش حداکثر اکراه و اجبار سازیم و این امر به اختیار زن واگذار شده است و این حقیقت اسلام است که زن مؤمنه خود شریک امریست که شناسایی آن توسط خداوند متعال و خود زن صورت یافته است.

پس آیاتی که زنان را به پوشش (حداقل) امر فرموده خیلی زیبا از صفات لباس خارجی لباس زن که همان جلباب و خمار (رولباسی و روسری) و پوشش پاها و آرام راه رفتن و اخفای زینت است، بیانی روشن آورده است.

اینست که قرآن کریم بهترین پوشش را «حجاب» می داند و حجاب همان است که زن کاملاً مستور باشد.

و هرگز پوشش زن نوعی تحقیر شأن زن نبوده است زیرا دستاوردهای آن بسیار مهم و قابل تامل است.

تفسیر آیت الله جوادی آملی از حجاب در کلام قرآن :

آیت الله عبدالله جوادی آملی با طرح پرسشی درباره وجوب حجاب، به آن در قالب تفسیر و توضیح قرآنی، می فرماید:

« زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم، حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند، حجاب زن، حقی الهی است، لذا می بینید در جهان غرب و کشورهایی که به قانون غربی مبتلا هستند اگر زن همسررداری، آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آنها پرونده را مختومه اعلام می کنند، اما در اسلام این چنین نیست، حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد نه شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می باشد، همه اینها اگر رضایت بدهند قرآن راضی نخواهد بود، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلّم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد، اگر جامعه ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شهوت رفتند به همان فساد مبتلا می شوند که در غرب ظهور کرده است.

لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم، از این که قرآن کریم می گوید هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود عصمت زن، حق الله است و به هیچ کسی ارتباط ندارد.

قهرأ همه اعضای خانواده و اعضای جامعه و خصوصاً خود زن امین امانت الهی هستند. زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داده و فرموده: این حق مرا، تو به عنوان امانت حفظ کن.»

مهم‌ترین دستاوردهای حجاب:

۱- آرامش روانی:

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن غریزه جنسی اندیشیده است و در این باره، هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است. یک وظیفه مشترک برای زن و مرد، مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ....

« به مؤمنین بگو که چشمهایشان را (از نامحرم) ببندند و فروج خود را (از حرام) حفظ کنند..... به زنان مؤمن هم بگو که چشمهایشان را (از نامحرم) ببندند و فروجشان را (از حرام) نگه دارند.»

خلاصه این دستور، آن است که زن و مرد نامحرم نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن، این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند، با هیچ شکل، رنگ و بهانه‌ای، کاری نکنند که اسباب تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

که هر چه دیده بیند دل کند یار

ز دست دیده و دل، هر دو فرید

ز نعم بر دیده تا دل گردد آزراد

بازم ضنبره نیست ز فولاد

«بناظر هر همزانی»

پوشاندن بدن به استثنای وجه و کفین، مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست، آنچه باعث فلج کردن نیروی اجتماع و کار و مطالعه و تحصیل است، آلوده کردن محیط کار به لذتجویی‌های شهوانی است.

روح بشر، فوق‌العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس، آرام می‌گیرد. در نتیجه، حجاب را می‌توان، یکی از عوامل مهم آرامش روحی و روانی زن و مرد دانست. همچنان‌که قرآن شریف، آرامش روحی و روانی و سکینه قلبی را در انحصار زوجین در کانون گرم خانواده می‌داند و می‌فرماید: (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ

أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) « زنان پوشش شما و شما پوشش زنان هستید.»

۲- استحکام پیوند خانوادگی:

بی‌شک، هر چیزی که باعث تحکیم پیوند خانوادگی و صمیمیت رابطه زوجین شود برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود. برعکس، آنچه باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان شود به حال زندگی خانوادگی،

زیان بار است و باید با آن مبارزه کرد. اختصاص یافتن استمتاعات و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهر را محکم می‌سازد و باعث اتصال بیش‌تر زوجین به یکدیگر می‌شود.

مسئله مهم دیگر، ایجاد پاک‌ترین و صمیمی‌ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تأمین این هدف، وقتی ممکن است که زوجین از هرگونه استمتاع از غیر همسر یا همسران قانونی چشم‌پوشند، مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز درصدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر چارچوب خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت شود و این مهم با رعایت اصل قرآنی حجاب و عفاف، میسر است.

۳- استواری اجتماع :

پوشاندن بدن به استثنای وجه و کفین، مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست، آنچه باعث فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذتجویی‌های شهوانی است.

با رعایت این چهارچوب که قرآن کریم مشخص نموده مرد و زن بهتر سرگرم کار و فعالیت می‌شود تا در محیطی که آلوده به معصیت پروردگاران باشد. بنابراین اگر مسئله حجاب، جدی گرفته و کاملاً رعایت شود، جامعه استوار و پابرجا خواهد بود و هرگز متزلزل نخواهد شد و زن و مرد با آرامش خاطر به مسئولیت‌ها و رسالت خود عمل خواهند کرد.

۴- حفظ احترام زن :

مرد از نظر جسمانی و فکری بر زن تفوق دارد و زن در این دو مورد در برابر مرد، قدرت مقاومت ندارد؛ ولی زن از طریق عاطفی و قلبی، همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن زن، میان خود و مرد یکی از وسایل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است.

اسلام، زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند به‌ویژه تأکید کرده است که زن، هر اندازه متین‌تر، باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود.

در آیات سوره احزاب پس از آنکه توصیه می‌کند زنان خود را بپوشانند، می‌فرماید: (**ذَلِكَ اَدْنٰی اَنْ یُعْرَفْنَ فَاِذَا یُؤَدَّبْنَ**)

« زیرا این کمترین حدی است که بوسیله‌اش (بعنوان زنان پرهیزگار) شناخته خواهند شد و مورد اذیت قرار نگیرند.»

در نتیجه، فاصله گرفتن و حشمت آنها، مانع مزاحمت افراد سبکسر و هوسران می‌شود. پس بهره دیگر رعایت حجاب اسلامی، حفظ عزت و شخصیت زن در اجتماع است.

کلام حضرت زهرا علیها السلام :

حضرت علی علیه السلام سخن معروف حضرت زهرا علیها السلام را این گونه روایت می فرماید: با جمعی از اصحاب در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستیم. پیامبر صلی الله علیه و آله به ما رو کرد و فرمود: **أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ** « به من خبر دهید که خیر و سعادت زن در چیست؟ »

کسی پاسخی نگفت تا اینکه متفرق شدیم، و من به خانه آمدم و به حضرت زهرا علیها السلام گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین سؤالی از ما کرده است.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: پاسخ سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله این است که **خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ**

الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ

« بهترین دستور برای زنان آن است که نه آنها مردان نامحرم را بنگرند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند.»

به محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگشتم و عرض کردم: پرسیدید: «چه چیز برای زنان، بهتر است؟» پاسخ این است که برای ایشان بهترین چیز، آن است که نه مردان نامحرم، آنها را بنگرند و نه آنها مردان نامحرم را ببینند. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « این پاسخ از کیست؟ » عرض کردم: «از حضرت فاطمه علیها السلام» پیغمبر صلی الله علیه و آله خوشحال شد و فرمود: « **إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي** همانا که فاطمه علیه السلام پاره تن من است.»

ارزش حجاب :

امام خمینی (ره) درباره ارزش حجاب می فرماید: حجاب اسلامی یعنی حجاب وقار، حجاب شخصیت، ساخته من فقیه نیست این نص صریح قرآن است. آن قدری که قرآن مجید بیان کرده، نه ما می توانیم از آن حدود (محدوده) خارج شویم و نه زنانی که معتقد به این کتاب بزرگ آسمانی هستند.

باید به دنیا تفهیم کنیم که دست یابی به مدارج علمی به معنای پشت کردن به مفاهیم ارزشی دینی و رویکرد به مظاهر فریبنده تمدن غربی نمی باشد.

از این جا روشن می شود که چرا فرانسه در ممنوعیت تحصیل دختران با حجاب اسلامی در دانشگاه ها پیشگام شده است، چون نقش آن را در پیروزی الجزایر چشمیده است.

فرانس فانون می نویسد: هر چادری که دور انداخته می شود، افق جدیدی را که بر استعمارگران ممنوع بود، در برابر آنها می گشاید و پس از دیدن هر چهره بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن اشغال گران ده برابر می گردد. هر بار که یک زن کشف حجاب می کند، در واقع وجود جامعه الجزایری را بر سیستم دفاعی سست بنیاد، باز و متلاشی شده به اشغال گران اعلام می دارد.

بررسی چند شبهه درباره حجاب :

۱- انزوای نیمی از جامعه:

مهم‌ترین شبهه‌ای که همه مخالفان حجاب در آن متفقند و به عنوان یک ایراد اساسی بر مسئله حجاب ذکر می‌کنند این است که زنان، نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، اما حجاب، سبب انزوای این جمعیت عظیم می‌شود و به‌طور طبیعی، آنها را از نظر فکری و فرهنگی به عقب می‌راند، به‌ویژه در دوران شکوفایی اقتصادی که احتیاج زیادی به نیروی فعال انسانی است از نیروی زنان در حرکت اقتصادی هیچ‌گونه بهره‌گیری نخواهد شد و جای آنها در مراکز فرهنگی و اجتماعی نیز خالی است. به این ترتیب، آنها به صورت یک موجود مصرف‌کننده و سربار جامعه درمی‌آیند.

پاسخ:

آنها که به این منطق متوسل می‌شوند، از چند امر به کلی غافل شده یا تغافل کرده‌اند زیرا:

اولا: چگونه حجاب اسلامی، زن را منزوی می‌کند و از صحنه اجتماع دور می‌سازد؟ اگر در گذشته لازم بود ما زحمت استدلال در این موضوع را بر خود هموار کنیم امروز بعد از انقلاب اسلامی هیچ نیازی به استدلال نیست زیرا با چشم خود، گروه گروه از زنانی را می‌بینیم که با حجاب در همه جا حاضرند، در اداره‌ها، در کارگاهها، در راهپیماییها، در رادیو و تلویزیون، در بیمارستانها و مراکز بهداشتی، به‌ویژه در مراقبت‌های پزشکی برای مجروحان جنگی، در آموزش و پرورش و دانشگاه و سرانجام در صحنه جنگ و پیکار با دشمن.

ثانیا: آیا اداره خانه و تربیت فرزندان برومند و ساختن انسانهایی که در آینده بتوانند با بازوان توانای خویش، چرخهای عظیم جامعه را به حرکت در آورند، نقش اجتماعی زن را نشان نمی‌دهند؟

آنها که این رسالت عظیم زن را کار مثبت محسوب نمی‌کنند، از نقش خانواده و تربیت در ساختن یک اجتماع سالم و آباد و پربرکت، بی‌خبرند.

آنان می‌پندارند راه صحیح این است که زن و مرد ما همانند زنان و مردان غربی، اول صبح، خانه را به قصد ادارات، کارخانه‌ها و مانند آن ترک کنند و بچه‌های خود را به شیرخوارگاهها بسپارند و یا در اتاق بگذارند و در روی آنها ببندند و طعم تلخ زندان را از همان زمان که غنچه ناشکفته‌ای هستند به آنها بچشانند. غافل از اینکه با این عمل، شخصیت آنها را در هم می‌کوبند و کودکانی بی‌روح و فاقد عواطف انسانی بار می‌آورند که آینده جامعه را به خطر خواهند انداخت.

۲- محدودیت بانوان:

ایراد دیگری که به اصل حجاب وارد می‌کنند این است که حجاب، یک لباس دست‌وپا گیر است و با فعالیتهای اجتماعی به‌ویژه در عصر ماشینهای مدرن سازگار نیست. یک زن باحجاب، خودش را حفظ کند یا چادرش را و یا کودکش را؟!!

پاسخ:

این ایراد کنندگان از یک نکته غافل‌اند و آن اینکه حجاب همیشه به معنای چادر نیست؛ بلکه به معنای پوشش زن است، حال آنجا که با چادر امکان‌پذیر است چه بهتر و آنجا که نشد به پوشش قناعت می‌شود.

زنان کشاورز و روستایی ما، به‌ویژه زنانی که در برنجزارها، کار کاشت و برداشت محصول برنج را بر عهده دارند، عملاً به این پندارها پاسخ داده‌اند که یک زن با داشتن حجاب اسلامی در بسیاری از موارد، حتی بیش‌تر و بهتر از مرد کار می‌کند، بی‌آنکه حجابش مانع کارش شود.

۳- حریص‌تر شدن مردان:

ایراد دیگر اینکه می‌گویند حجاب از این نظر که میان زنان و مردان فاصله می‌افکند طبع حریص مردان را آزمندتر می‌کند و به جای اینکه خاموش‌کننده باشد آتش حرص، آنها را شعله‌ورتر می‌سازد که «الانسان حریص علی ما منع!»

پاسخ:

این مغلطه، با مقایسه زنان با حجاب کنونی با زنان در دوران رژیم طاغوت پاسخ داده می‌شود. آن روز، هر کوی و برزن، مرکز فساد بود، در خانواده‌ها بی‌بند و باری عجیبی حکمفرما بود، آمار طلاق، بسیار زیاد بود، و هزاران بدبختی دیگر وجود داشت.

نمی‌گوییم امروز همه اینها ریشه‌کن شده است اما بدون شک، کم‌تر شده و اگر به خواست خدا وضع حجاب در جوامع امروزی سامان یابد، جامعه ما از نظر پاکی خانواده‌ها و حفظ ارزش زن به مرحله مطلوب خواهد رسید.

نتیجه‌گیری:

مرد و زن در آن معیارهای اصلی همتای هم هستند، و یک سلسله مسؤولیت‌های اجرایی برای مرد است که اگر انجام ندهد باید وزر آن را تحمل کند، بنابراین نتیجه می‌گیریم که:

اولاً: آن تهمت‌هایی که به اسلام زده و می‌گویند که: اسلام نیمی از جامعه را از بسیاری از حقوق محروم نموده است، نارواست.

ثانیاً: این تعصبات و رسومات جاهلی که از دیرباز در فرهنگ جوامع اسلامی رواج پیدا کرده است که زن را به عنوان مظهر ضعف و زبونی یاد می‌کنند این باید زدوده بشود.

ثالثاً: اگر کسی احساس می‌کند که زن نباید از علوم و مسائل تربیتی و مانند آن که خدمات قابل عرضه‌ای به جامعه ارائه می‌دهد استفاده کند، باید از این اعتقاد صرف‌نظر کند و علاقه‌مند باشد زن همتای مرد در این علوم و معارف بار یابد و به جامعه خدمت کند مگر آنجایی که به طور استثنا وظیفه مرد قرار گرفته است.

رابعاً: جمله (عاشروهنّ بالمعروف) اختصاصی به مسائل داخل منزل ندارد، بلکه در کل جامعه هم جاری است.

و مسأله پنجم این است که زن در مقابل مرد غیر از زن در مقابل شوهر است یعنی زن در مقابل شوهر باید تمکین کند اما زن در مقابل جامعه، مثل فردی از افراد جامعه است و این چنین نیست که باید اطاعت کند و در مسائل خانوادگی هم می‌بینیم که گاهی زن قوام و قیوم است و مرد باید اطاعت کند، همچنانکه پسر باید از مادر اطاعت کند ولو در حد بالایی از تخصص‌های علمی باشد.

در پایان گرچه هنوز شبهاتی در مسأله برابری زن و مرد قابل طرح است لیکن با توجه به اصول کلی یاد شده و آشنایی با خطوط اصیل نظام ارزشی در اسلام و تبیین محور سعادت و شقاوت پاسخ آنها روشن خواهد بود.

البته هدف بنده تذکر به این حقیقت است که خداوند متعال در آیه ۷۱ سوره توبه می‌فرماید :

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَا بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

« مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. »

... واذکرن ما یتلی فی بیوتکن ... آیه ۳۴ سوره احزاب

« و از آیات خداوند که در خانه هایتان تلاوت می‌شود بخوانید و به دیگران تذکر دهید... »

هوان ره طاعت امروز گیر / که فردا هوانی نیاید ز پیر « سعدی شیرازی »

چند کامنت جالب که از دوستان رسیده !!! :

۱- برگشت گفت: رفتم این صبح سرت کردی مثل من ه !! من این که بورت نمره قرن ۲۱ و مثل مردم عصر جبر یعنی گرده؟!

گفتم: واقه؟! عصر جبر یعنی ک؟

گفت: صبح ۱۴ قرن پیش .

گفتم: صبح جالب ۱۴ بیست و ۱۶؟

گفت: صبح سوالی میکنی معلوم ۱۶ !

گفتم: پس ۱۶ قرن پیش عصر جبر تره تا ۱۴ قرن پیش

گفت: معلوم

گفتم: پس شما با این حساب باید دمره تر باشید که مثل مردم ۱۶ قرن پیش می گردید اونم هم زمانه موقه که بهش می گفتن عصر جاهلیت دیگر از اسمش هم پیدا است که ضیل دمره است ...

دیگر می ایش رو نگرفت گذاشت رفت

افضلهم الباهلیه بیغون ومن احسن من الله حکمک لقوم یوقنون مائده ۵۰

آری حکم جاهلیت را می جویند و چه حکم برای یقین آورندگان از حکم خدا بهتر است؟

و لا تبرهن تبرج الباهلیه اجزاب ۴۴

و به همسرانت بگو خود را چنان زنان جاهل نیاریند

۲- تازه با هم رفیق شده بودیم، ضیل با نصبت و بی غل عیش بود. با اینکه از جهشش خوشم میومد، اما تنبلی میکردم چادر روی سرم باش. به روز که برای درس خوندم اومده بود خون ما، همراه خودش چند تا شکلات با بسته بندی های زیبا هم آورده بود. دوتا از اون ها رو به من داد. خودش هم یکی از شکلات ها رو باز کرد و گذاشت وسط بشقاب.

چند لحظه ای از درس خواندنمان نگذشته بود که دوتا مگس مزاحم سر و کله شان پیدا شد و یک راست رفتند سرف شکلاتی که بدون بسته بندی بود. من تلاش کردم مگس ها را فراری بدهم ولی کوششهایم کرام گفت: "تقصیر خودت. تا خودش رو نیوشند، مگس ها رهیش نمیکنند."

فهمیدم که میفواهد غیر مستقیم به من درس جهاب بدهد. بگویند: مگس ها گری ندارند که تو به خاطر تنبلی جهاب ندار کنه کارش مزاحمت است و فقط به ظاهر نگاه می کنند؛ پس من و تو باید ضیل به جهاب ظاهرمان برسیم"

مهرش بیشتر از قبل در دلم افتاده تا به حال نه از منکر به این قشنگ نریده بودم.

۳- یکی از علما بزرگ (مرحوم آریه الله سید باقر جتهد سیستانی پدر آریه الله سید علی سیستانی و مرحوم سید محمود جتهد سیستانی) در مشهد مقدس برای کننگ به مفضل امام زمان عجل الله شرفناج شود ختم زیارت عاشورا در چهل جمع هر هفته در مسجدی از مساجد شهر کاشان می کند ایشان فرمودند: در یکی از جمعه های کاشان، ناگهان شعاع نور را مشاهده کردم که از خانه ی نزدیک کن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم می تابید، حال عجیبی به من دست داد، از جای برخاستم و بدنبال کن نور به در کن خانه رفتم، خانه کوچک و فقیرانه ای بود،

از درون خانه نور عیبی بی تابیر .

در زدم وقته در را باز کردند، مژده کردم حضرت و عسر امام زمان عجل الله در یکی از اتاق های کن خانه تشریف داشتند و در کن اتاق جنازه ای را مژده کردم که پارچه ای سفید بروی کن کشیده بودند، وقته من وارد شدم و انگ ریزان سلام کردم ، حضرت بمن فرمودند: چرا اینگونه دنبال من می گردی و رنج ها را مقبل می شوی ؟ مثل این باشی (اشاره به کن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم !
بعد فرمودند: این بانوی است که در دوره بی جایی (رفا خان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامده مبادا نامحرم او را ببیند! (ا)

۴- تو تابستون امسال با اون گرمای خفگی کننده اش تو ای اتوبوس نشسته بودم .

به دفتر کوچولو ۸-۹ ساله هم به خاطر نبود جا دور از مانتش نشسته بود رو هنرک ته اتوبوس .

دفتر کوچولو روسی اش رو خیلی زیبا با رعایت جیب همراه چادر عربی سرش کرده بود .

خانوم بر جیبی که پیش دفتر کوچولو نشسته بود و خودشو باد میزد با افسوس گفت :

تو ای گرم ای جیب پوشیده ای؟ از دست اجبار این مامان باباهای خشک مقدس... تو گرم نیستی بچه؟

همون لفظ اتوبوس ایستاد و باید پیاده می شدم .

دفتر کوچولو گرمی روسی اش رو سخت تر کرد و محکم و با اقتدار گفت :

چرا گرم... ولی کتیش جیبم از تابستون امسال خیلی خیلی گرم تره...

دفتر کوچولو پیاده شد و اون خانم بر جیب سخت به فکر فرو رفت ..

۵- روزی امام موسی همد در یک کلیسا (یا دانشگاه) سفرانی بسیار موثر و جنایه ایراد کرد و هم را جنروب نمود .

اواخر سفرانی یک خانم جوان و زیبا که از این توفیق یک عالم مسلمان بسیار دلفور بود به دستانش گفت : من می دانم چه طور هاش را بگیرم و نهایتش کنم ! و بلا فاصله پس از پایان سفرانی در حالیکه هم را متوجه خود کرده بود جلورفت و دستش را به طرف ایشان دراز کرد .

ایشان طبق عادت دستش را روی سینه گذاشتند . او هم که منتظر همین بود پرسید : می خواهی نفس نشوی ؟ (و به همان موهومی اشاره کرد که مشکل سو تفاهم خانم هاست و شبیه دون یای بودن زنان در دیدگاه اسلام و نفس بودن غیر مسلمانان و ...)

ایمان با زیرک بلایہمہ پسف دادند : بل لاصفظ علی طہارتک ! فرمودند بلکہ بر عکس تو کقدر با ارزش و پاک هستی کہ چنین تماشای ہے صرم
قدس و زانہ تو رای کلاہ ...

این جواب حکیمانہ و عارفانہ و عمیق و ہوشمندانہ نہ تنها توطنہ او را فتنے کرد بلکہ کار بر عکس شد و جمعیت مسیحی صافتر بہ وجہ آئندہ و بہ
ایمان ارادت بیشتر پیدا کردند۔

۶- حضرت امیرالمومنین بہ زن ہے جوان سلام نہ کردند۔ گفتند: یا علی رسول خدا سلام ے کردند تو چرا سلام نہ کنے؟

فرمودند: رسول خدا سے سال از من بزرگتر بود۔ من سے سال جوان ہستم۔

ے ترسم بہ یک زن جوان سلام کنتم یک جواب گری بہ من بدہد، دل علی بلرزد۔

(بہار ۱۴۹۳ ہجرت شمس)

وَمِنَ اللّٰهِ التَّوْفِیْقُ